

پیش‌بینی رفتار سازشی دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی خفیف بر اساس سبک فرزندپروری مادران در شهر شیراز سال ۹۱-۱۳۹۰

قربان همتی علمدارلو^۱، عباسعلی حسین‌خانزاده^۲، اعظم مرادی^۳، فاطمه فرشچی^۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۸/۵

تاریخ وصول: ۱۳۹۱/۲/۶

چکیده

پژوهش حاضر به منظور بررسی رابطه سبک فرزندپروری مادران با رفتار سازشی دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی انجام شد. این پژوهش از نوع کاربردی و شیوه انجام گرفتن آن همبستگی است. جامعه مورد مطالعه را تمامی مادران دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی شهر شیراز تشکیل می‌داد که از میان آن ۱۰۱ نفر با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی به عنوان نمونه انتخاب شدند. برای سنجش سبک فرزندپروری مادران از پرسشنامه رابینسون و همکاران (۱۹۹۵) و برای سنجش رفتار سازشی دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی از پرسشنامه رفتار سازشی لمبرت و همکاران (۱۹۷۴) استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از رگرسیون چندگانه نشان داد که سبک فرزندپروری استبدادی و سهل‌گیرانه پیش‌بینی‌کننده مثبت و معنادار رفتار ضداجتماعی، رفتار طغیانی، رفتار خشونت‌آمیز و مخرب، رفتار قالبی، انزوا و آشفتگی روانی، تندخویی و رفتار نامناسب اجتماعی است ($P < .01$). شایان ذکر است که بر اساس یافته‌های این پژوهش بین سبک فرزندپروری اقتداری و خرده‌مقیاس‌های رفتار سازشی رابطه‌ای مشاهده نشد و سبک فرزندپروری اقتداری قادر به پیش‌بینی هیچ یک از عامل‌های رفتار سازشی نبود ($P > .05$). با توجه به یافته‌های به دست آمده طراحی برنامه‌های آموزش خانواده به ویژه برنامه‌های آگاهی از سبک‌های فرزندپروری و اثرات هر یک از آنها بر فرزندان بسیار ضروری است تا از این طریق بتوان با تغییر نگرش مادران و بهبود روابط اعضای خانواده، رفتار سازشی دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی را بهبود بخشید.

واژه‌های کلیدی: سبک فرزندپروری، مادران، رفتار سازشی، دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی.

۱. استادیار دانشگاه شیراز ghorban_hemati@yahoo.com

۲. استادیار دانشگاه گیلان

۳. استادیار دانشگاه پیام نور شهرکرد

۴. دانشجوی کارشناسی مدیریت آموزشی دانشگاه شیراز

مقدمه

خانواده اولین و بادوام‌ترین بستر رشد است و کودکان در خانواده، زبان، مهارت‌ها و ارزش‌های اجتماعی و اخلاقی فرهنگ خود را می‌آموزند (محسنی، ۱۳۸۳، ص ۳۷۰). هر خانواده روش‌های ویژه‌ای را در تربیت فردی و اجتماعی فرزندان خویش به کار می‌گیرد که به این روش‌ها، سبک‌های فرزندپروری^۱ گفته می‌شود (کریمی، ۱۳۸۹، ص ۳۲). سبک فرزندپروری مجموعه‌ای از نگرش‌های والدین نسبت به کودکان است که منجر به ایجاد جو هیجانی می‌شود که در آن جو رفتارهای والدین بروز می‌نماید. این رفتارها هم دربرگیرنده رفتارهای هدف‌محور ویژه‌ای است که از طریق آن رفتارها، مادران به وظایف والدینی شان عمل می‌کنند و هم رفتارهای غیر مرتبط با هدف‌های والدینی مانند ژست‌ها، تغییر در تن صدا یا بیان هیجان‌های غیرارادی را شامل می‌شود (کریستین^۲، ۲۰۰۱، ص ۳). به عبارتی دیگر، سبک‌های فرزندپروری، روش‌هایی است که والدین برای تربیت فرزندان خود به کار می‌گیرند و بیانگر نگرش‌هایی است که آن‌ها نسبت به فرزندان خود دارند و همچنین شامل معیارها و قوانینی است که برای فرزندان خویش وضع می‌کنند.

در زمینه سبک‌های فرزندپروری نظریات متعددی ارائه شده است که یکی از مهم‌ترین آن‌ها نظریه بامریند^۳ می‌باشد. از دیدگاه بامریند (۱۹۹۱، ص ۱۱۸) فرزندپروری شامل روش‌ها و رفتارهای ویژه است که به طور مجزا یا در تعامل با یکدیگر بر تحول کودک تأثیر می‌گذارد و شیوه فرزندپروری مبین تلاش‌های والدین برای کنترل و اجتماعی کردن کودکان است. در نظریه بامریند سه سبک اساسی فرزندپروری مستبدانه^۴، سهل‌گیرانه^۵، و مقتدرانه^۶ تعریف شده است. این سه سبک فرزندپروری در دو مشخصه با هم متفاوتند: میزان توجه یا گرمی که کودک به دست می‌آورد و میزانی که رفتار و فعالیت‌های کودک کنترل می‌شود (کریمی، ۱۳۸۹، ص ۳۳). والدین دارای سبک مستبدانه از روش کنترل زیاد

1. parenting styles
2. Christian,
3. Baumrind
4. Authoritarian
5. Permissive
6. Authoritative

و محبت کم استفاده می‌کنند، والدین دارای سبک سهل‌گیرانه عشق و محبت بیش از اندازه را، بدون اعمال کنترل‌های لازم ابراز می‌دارند و والدین دارای سبک مقتدرانه از روش کنترل زیاد و محبت زیاد استفاده می‌کنند. یعنی فرزندانشان را به خاطر رفتارهای پسندیده‌شان تشویق و به خاطر اعمال ناپسندشان تنبیه می‌کنند (بامریند، ۱۹۶۷، ص. ۴۷).

تحول اجتماعی^۱ یکی از ابعاد تحول انسان است که سبک فرزندپروری والدین بر آن بسیار مؤثر است (کریستین، ۲۰۰۱، ص. ۴). یکی از شاخص‌های تحول اجتماعی کودکان، رفتارهای سازشی^۲ است (گروکس^۳، ۲۰۰۱، ص. ۶). اصطلاح رفتار سازشی به توانایی‌های کارکردی از قبیل خود مراقبتی^۴، قابلیت اجتماعی^۵ و خودمدیریتی^۶ که برای استقلال در زندگی روزمره ضروری هستند، اشاره دارد (وستوود^۷، ۲۰۰۹، ص. ۲). هالاهان^۸ و همکاران (۲۰۰۹، ص. ۲۱۰) معتقدند که رفتار سازشی مؤثر ترکیبی از هوش اجتماعی^۹ (درک موقعیت‌های اجتماعی و تعامل با دیگران به شیوه مطلوب) همراه با هوش عملی^{۱۰} (توانایی حل مشکلات روزمره، کسب مهارت‌های خودیاری^{۱۱} و کارکرد مستقل) است.

تحقیقات متعددی نشان داده‌اند که بین سبک فرزندپروری والدین و رفتار سازشی کودکان نشان رابطه وجود دارد. برای نمونه، رینالدی و هاو^{۱۲} (۲۰۱۲، ص. ۲۷۰) به این نتیجه رسیده‌اند که سبک‌های فرزندپروری والدین پیش‌بینی‌کننده رفتارهای برون‌نمود^{۱۳}، درون‌نمود^{۱۴} و رفتار سازشی کودکانشان است. در همین راستا، وانگ^{۱۵} و همکاران (۲۰۰۶، ص. ۱۵۸) به این نتیجه رسیده‌اند که سبک فرزندپروری والدین پیش‌بینی‌کننده رفتارهای

1. social development
2. Adaptive Behavior
3. Geroux
4. Self-care
5. Social competence
6. Self-Management
7. Westwood
8. Hallahan
9. Social Intelligence
10. Practical Intelligence
11. Self-help
12. Rinaldia & Howe
13. Externalizing
14. Internalizin
15. Wang

سازشی و ناسازشی کودکان است. در تأیید یافته‌های مذکور، زارعی (۱۳۸۸، ص ۲۲۰) نیز به این نتیجه رسیده است که بین سبک فرزندپروری والدین و رفتارهای سازشی و مخرب فرزندان رابطه معناداری وجود دارد. همچنین مداحی و همکاران (۱۳۹۰، ص ۴۳) نیز در تحقیق خود رابطه بین سبک فرزندپروری والدین و رفتارهای سازشی فرزندان را مورد تأیید قرار داده‌اند. بنابر این بر اساس یافته‌های فوق می‌توان استنباط کرد که سبک فرزندپروری والدین نقش بسیار مهمی در رفتار سازشی کودکان ایفا می‌کند و با تغییر سبک فرزندپروری والدین می‌توان رفتار سازشی کودکان را بهبود بخشید.

کودکان کم‌توان ذهنی از جمله کودکانی هستند که در رفتار سازشی ضعف عمده‌ای دارند به گونه‌ای که انجمن کم‌توانی ذهنی آمریکا^۱ (۲۰۱۰، ص ۴۹) دو ویژگی برجسته کم‌توانی ذهنی را محدودیت قابل ملاحظه در کارکرد شناختی و رفتارهای سازشی می‌داند. در واقع ضعف عمده در رفتار سازشی کودکان کم‌توان ذهنی بر زندگی روزمره آنان تأثیر می‌گذارد و توانایی پاسخ‌دهی آنان به یک موقعیت خاص یا محیط را تحت تأثیر قرار می‌دهد (انجمن کم‌توانی ذهنی آمریکا، ۲۰۱۰، ص ۴۹). در تحقیقی که توسط وایز، سالیوان و دیاموند^۲ (۲۰۰۳، ص ۱۳۰) در ارتباط با استرس والدین و کنش‌وری سازشی کودکان با ناتوانی‌های تحولی صورت گرفت نشان داد که بین استرس والدین و رفتار سازشی کودکان رابطه وجود دارد و سطوح پایین‌تر کنش‌وری سازشی پیش‌بینی‌کننده سطوح بالاتر استرس بوده است. اثرات مستقیم سبک‌های فرزندپروری والدین بر رفتارهای سازشی و عملکرد تحصیلی کودکان توسط تالیب، محمد و مامات^۳ (۲۰۱۱، ص ۱۴) نیز تأیید شده است. دو نوع سبک فرزندپروری اقتدارگرایانه و استبدادی بیشترین ارتباط را با این دو متغیر داشتند، به طوری که سبک اقتدارگرایانه رابطه مثبت با رفتارهای سازشی و عملکرد تحصیلی و سبک مستبدانه رابطه منفی با این دو متغیر داشته است.

از آنجایی که رفتار سازشی تا اندازه‌ای به عواملی خارج از کودک، یعنی محیطی که وی

-
1. American Association of Mental Retardation
 2. Weiss, Sullivan, and Diamond
 3. Talib, Mohamad and Mamat

در آن زندگی می‌کند، بستگی دارد، بنابراین می‌توان با بررسی عوامل مؤثر بر رفتار سازشی از قبیل سبک فرزندپروری مادران و بهبود نحوه تعامل والد - کودک، رفتار سازشی کودکان کم‌توان ذهنی را بهبود بخشید. به همین دلیل تحقیق حاضر به دنبال آن است تا با بررسی رابطه بین سبک فرزندپروری مادران و رفتار سازشی کودکان کم‌توان ذهنی ضمن پر کردن خلاءهای پژوهشی، گامی در جهت بهبود رفتارهای سازشی کودکان کم‌توان ذهنی بردارد.

روش پژوهش

جامعه و نمونه مورد مطالعه

پژوهش حاضر از نوع کاربردی و شیوه انجام گرفتن آن همبستگی است و جامعه آماری آن شامل تمامی مادران دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی دوره ابتدایی شهر شیراز بود که فرزندشان در سال تحصیلی ۹۱-۱۳۹۰ در مدارس ویژه دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی دوره ابتدایی مشغول تحصیل بودند که تعداد کل آن‌ها ۸۶۰ نفر بود. آزمودنی‌های این پژوهش ۱۰۱ نفر از مادران دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی بودند. روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی بود. بدین صورت که ابتدا از میان نواحی چهارگانه آموزش و پرورش شهر شیراز دو ناحیه به شکل تصادفی انتخاب و در مدارس ابتدایی ویژه کم‌توان ذهنی نواحی انتخاب شده، پرسشنامه‌های سبک فرزندپروری و رفتار سازشی در اختیار همه مادران دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی قرار گرفت. در نهایت ۱۰۱ نفر از مادران پرسشنامه‌ها را به صورت کامل تکمیل نموده و بازگشت دادند.

روش جمع‌آوری داده‌ها و ابزارهای آن

برای جمع‌آوری داده‌ها از ابزارهای زیر استفاده شده است:

پرسشنامه سبک فرزندپروری: این پرسشنامه توسط رایینسون، ماندلکو، السن و هارت در سال ۱۹۹۵ ساخته شده است و توسط حمید علیزاده به فارسی ترجمه شده است. این پرسشنامه دارای ۳۲ سؤال در مقیاس لیکرت پنج درجه‌ای (هیچ وقت = ۱، گاهی اوقات = ۲، تقریباً بعضی از مواقع = ۳، خیلی از مواقع = ۴ و همیشه = ۵) است. حداقل نمره در این آزمون

۳۲ و حداکثر ۱۶۰ است. این پرسش نامه سه نوع سبک فرزندپروری استبدادی، اقتداری و سهل گیرانه را به ترتیب با ۱۲ سؤال، ۱۵ سؤال و ۵ سؤال می‌سنجد. روایی محتوایی پرسشنامه توسط اساتید و متخصصان ایرانی مورد تأیید قرار گرفته و اعتبار پرسشنامه با استفاده از آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس سبک اقتداری ۰/۹۰ و برای خرده مقیاس سبک استبدادی ۰/۷۸ و برای خرده مقیاس سبک سهل گیر ۰/۷۰ گزارش شده است که ضرائب قابل قبولی به شمار می‌روند (علیزاده و آندریس، ۲۰۰۲، ص ۴۴). شایان ذکر است که در این پژوهش روایی سازه بر اساس روش همبستگی بین کل آزمون و خرده آزمون‌های آن برای سبک اقتداری ۰/۸۷، برای سبک استبدادی ۰/۵۹ و سبک سهل گیری ۰/۶۹ به دست آمد و برای تعیین پایایی مقیاس، ضریب آلفای کرونباخ برای یکایک ابعاد و کل پرسشنامه مورد محاسبه قرار گرفت که با توجه به ضرائب به دست آمده ضریب آلفای کل ۰/۸۷ به دست آمد که نشان از پایایی قابل قبول نمرات این پرسشنامه دارد.

پرسشنامه رفتار سازشی: این مقیاس برای اولین بار توسط لمبرت و همکاران (۱۹۷۴) تهیه شده است و مشتمل بر ۳۸ سؤال است. شهنی ییلاق (۱۳۷۴، ص ۱۱۴) ضریب آلفای کرونباخ برای کل مقیاس را ۰/۸۷ و ضریب آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس‌های پرسش نامه را بین ۰/۳۳ تا ۰/۹۰ گزارش کرده است. همچنین کجیاف و همکاران (۱۳۸۴، ص ۱۰۲) ضریب آلفای کرونباخ را برای خرده مقیاس‌های این پرسش نامه در حد مطلوب گزارش کرده و ضریب پایایی کل مقیاس را در دختران برابر با ۰/۸۰ و در پسران برابر با ۰/۸۶ بیان کرده است. در پژوهش حاضر روایی سازه‌ای مقیاس رفتار سازشی از طریق تحلیل عاملی با چرخش وریمکس احراز گردید. گویه‌های این مقیاس بر هفت عامل ۱. رفتار ضداجتماعی^۱، ۲. رفتار طغیانی^۲، ۳. رفتار خشونت آمیز و مخرب^۳، ۴. رفتار قالبی^۴، ۵. انزوا و آشفته‌گی روانی^۵، ۶. تندخویی^۶، ۷. رفتار اجتماعی نامناسب^۱ متمرکز گردید. ارزش ویژه

1. Antisocial behavior
2. outburst behavior
3. Violent and desruptive behavior
4. Stereotyped behavior
5. Psychological isolation and disturbance
6. spleenfully

برای عوامل مذکور بالاتر از ۱ به دست آمد. این مؤلفه‌ها در مجموع ۷۶/۲۷٪ از واریانس نمرات مقیاس رفتار سازشی را تعیین نمود. شاخص KMO برابر ۰/۸۳ و ضریب کرویت بارتلت برابر با ۳۲۹۷ و در سطح ۰/۰۰۱ معنادار بود که نشان دهنده کفایت نمونه‌گیری سؤال‌ها و ماتریس همبستگی بودند. همچنین به منظور تعیین پایایی مقیاس رفتار سازشی، ضریب آلفای کرونباخ برای یکایک ابعاد و کل پرسشنامه مورد محاسبه قرار گرفت. با توجه به ضرایب به دست آمده ضریب آلفای کل ۰/۹۵ به دست آمد که نشان از پایایی قابل قبول نمرات این مقیاس دارد.

روش آماری

در این پژوهش برای بررسی رابطه بین متغیرها از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد و برای پیش‌بینی رفتارهای سازشی دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی از طریق سبک‌های فرزندپروری مادران، روش آماری رگرسیون چندگانه مورد استفاده قرار گرفت. شایان ذکر است که از نرم افزار آماری SPSS برای تحلیل داده‌ها استفاده شد.

یافته‌ها

ماتریس همبستگی متغیرهای مورد مطالعه در جدول (۱) ارائه شده است. همان طور که در جدول (۱) ملاحظه می‌شود همبستگی مثبت و معنی داری بین سبک استبدادی با رفتار ضد اجتماعی، رفتار طغیانی، رفتار خشونت آمیز و مخرب، رفتار قالبی، انزوا و آشفتگی روانی، تند خویی و رفتار نامناسب اجتماعی وجود دارد. همچنین همبستگی مثبت و معنی داری بین سبک سهل گیرانه با رفتار ضد اجتماعی، رفتار طغیانی، رفتار خشونت آمیز و مخرب، رفتار قالبی، انزوا و آشفتگی روانی، تند خویی و رفتار نامناسب اجتماعی ملاحظه می‌شود. این در حالی است که بین سبک اقتداری با رفتار ضد اجتماعی، رفتار طغیانی، رفتار خشونت آمیز و مخرب، رفتار قالبی، انزوا و آشفتگی روانی، تند خویی و رفتار نامناسب اجتماعی همبستگی وجود ندارد.

1. Inappropriate social behavior

جدول (۱) ماتریس همبستگی متغیرهای مورد مطالعه

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۱. سبک استبدادی										
۲. سبک اقتداری	۰/۱۴									
۳. سبک سهل گیرانه	۰/۵۱*	۰/۴۰*								
۴. رفتار ضد اجتماعی	۰/۴۷*	-۰/۰۳۷	۰/۳۵*							
۵. رفتار طغیانی	۰/۴۹*	۰/۰۱۵	۰/۴۱*	۰/۸۷*						
۶. رفتار خشونت آمیز و مخرب	۰/۴۵*	۰/۰۲۷	۰/۳۵*	۰/۸۳*	۰/۸۶*					
۷. رفتار قالبی	۰/۴۶*	-۰/۰۰۵	۰/۴۴*	۰/۸۲*	۰/۸۱*	۰/۸۷*				
۸. انزوا و آشفتگی روانی	۰/۳۶*	-۰/۰۰۳	۰/۴۰*	۰/۸۳*	۰/۸۴*	۰/۶۷*	۰/۸۵*			
۹. تندخویی	۰/۳۳*	۰/۰۱۳	۰/۳۹*	۰/۴۴*	۰/۴۸*	۰/۳۴*	۰/۵۹*	۰/۳۷*		
۱۰. رفتار اجتماعی نامناسب	۰/۴۱*	۰/۰۷۴	۰/۳۵*	۰/۶۳*	۰/۵۸*	۰/۵۳*	۰/۴۷*	۰/۴۴*	۰/۳۵*	

*P < ۰/۰۱

جدول ۲: نتایج رگرسیون چندگانه به منظور پیش بینی رفتارهای سازشی دانش آموزان کم توان ذهنی از طریق سبک های فرزند پروری مادران

متغیرهای ملاک	شاخص ها	متغیرهای پیش بین	F	P	R	R ²	B	T	P <
سبک استبدادی	سبک استبدادی	۲۸/۲۷	۰/۰۰۱	۰/۴۷	۰/۲۱	۰/۴۷	۰/۳۲	۰/۰۰۱	
رفتار ضد اجتماعی	رفتار ضد اجتماعی	۰/۱۴	۰/۷۱	۰/۰۳۷	۰/۰۰۹	-۰/۰۳۷	۰/۰۳۷	۰/۷۱	
سبک سهل گیرانه	سبک سهل گیرانه	۴/۱۳	۰/۰۰۱	۰/۳۵	۰/۱۱	۰/۳۵	۳/۶۶	۰/۰۰۱	
سبک استبدادی	سبک استبدادی	۳۰/۶۲	۰/۰۰۱	۰/۴۹	۰/۲۳	۰/۴۹	۵/۵۳	۰/۰۰۱	
رفتار طغیانی	سبک اقتداری	۰/۸۸	۰/۸۸	۰/۱۵	-۰/۰۱۰	۰/۱۵	۰/۱۵	۰/۸۸	
سبک سهل گیرانه	سبک سهل گیرانه	۱۹/۵۵	۰/۰۰۱	۰/۴۱	۰/۱۶	۰/۴۱	۴/۴۲	۰/۰۰۱	
رفتار خشونت آمیز و مخرب	سبک استبدادی	۲۴/۵۴	۰/۰۰۱	۰/۴۵	۰/۱۹	۰/۴۵	۴/۹۵	۰/۰۰۱	
سبک اقتداری	سبک اقتداری	۰/۷۹	۰/۷۹	۰/۲۷	-۰/۰۰۹	۰/۲۷	۰/۲۷	۰/۷۹	
سبک سهل گیرانه	سبک سهل گیرانه	۱۳/۴۱	۰/۰۰۱	۰/۳۵	۰/۱۱	۰/۳۵	۳/۶۶	۰/۰۰۱	
سبک استبدادی	سبک استبدادی	۲۶/۳۹	۰/۰۰۱	۰/۴۶	۰/۲۰	۰/۴۶	۵/۱۴	۰/۰۰۱	
رفتار قالبی	سبک اقتداری	۰/۰۰۲	۰/۹۶	۰/۰۰۵	-۰/۰۱۰	۰/۰۰۵	۰/۰۴۶	۰/۹۶	
سبک سهل گیرانه	سبک سهل گیرانه	۲۳/۸۸	۰/۰۰۱	۰/۴۴	۰/۱۹	۰/۴۴	۴/۸۹	۰/۰۰۱	
انزوا و آشفتگی روانی	سبک استبدادی	۱۴/۶۴	۰/۰۰۱	۰/۳۶	۰/۱۲	۰/۳۶	۳/۸۳	۰/۰۰۱	
سبک اقتداری	سبک اقتداری	۰/۹۸	۰/۹۸	۰/۰۰۳	-۰/۰۱۰	۰/۰۰۳	۰/۰۲۸	۰/۹۸	
سبک سهل گیرانه	سبک سهل گیرانه	۱۸/۹	۰/۰۰۱	۰/۴۰	۰/۱۵	۰/۴۰	۴/۳۵	۰/۰۰۱	
سبک استبدادی	سبک استبدادی	۱۱/۹۵	۰/۰۰۱	۰/۳۳	۰/۱۰	۰/۳۳	۳/۴۶	۰/۰۰۱	
سبک اقتداری	سبک اقتداری	۰/۹۰	۰/۹۰	۰/۰۱۳	-۰/۰۱۰	۰/۰۱۳	۰/۱۳	۰/۹۰	
سبک سهل گیرانه	سبک سهل گیرانه	۱۷/۴۱	۰/۰۰۱	۰/۳۹	۰/۱۴	۰/۳۹	۴/۱۷	۰/۰۰۱	
سبک استبدادی	سبک استبدادی	۱۹/۴۶	۰/۰۰۱	۰/۴۱	۰/۱۶	۰/۴۱	۴/۴۱	۰/۰۰۱	
رفتار اجتماعی نامناسب	سبک اقتداری	۰/۵۴	۰/۴۶	۰/۰۷۴	-۰/۰۰۵	۰/۰۷۴	۰/۷۴	۰/۴۶	
سبک سهل گیرانه	سبک سهل گیرانه	۱۴/۱۱	۰/۰۰۱	۰/۳۵	۰/۱۲	۰/۳۵	۳/۷۶	۰/۰۰۱	

در مورد پیش‌بینی رفتار ضد اجتماعی از روی سبک فرزندپروری استبدادی، اقتداری و سهل‌گیرانه جدول (۲) نشان می‌دهد که ۲۱ درصد از واریانس رفتار ضد اجتماعی توسط سبک فرزندپروری استبدادی و ۱۱ درصد واریانس رفتار ضد اجتماعی توسط سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه پیش‌بینی می‌شود. همچنین ضریب رگرسیون سبک فرزندپروری استبدادی و سهل‌گیرانه بر رفتار ضد اجتماعی معنی‌دار است و نشان می‌دهد که سبک فرزندپروری استبدادی و سهل‌گیرانه می‌توانند رفتار ضد اجتماعی را به طور مثبت و معنی‌دار پیش‌بینی نمایند. همان‌گونه که در جدول مشاهده می‌شود سبک فرزندپروری اقتداری قادر به پیش‌بینی رفتار ضد اجتماعی نیست.

در مورد پیش‌بینی رفتار طغیانی از روی سبک فرزندپروری استبدادی، اقتداری و سهل‌گیرانه جدول (۲) نشان می‌دهد که ۲۳ درصد از واریانس رفتار طغیانی توسط سبک فرزندپروری استبدادی و ۱۶ درصد از واریانس رفتار طغیانی توسط سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه پیش‌بینی می‌شود. همچنین ضریب رگرسیون سبک فرزندپروری استبدادی و سهل‌گیرانه بر رفتار طغیانی معنی‌دار است و نشان می‌دهد که سبک فرزندپروری استبدادی و سهل‌گیرانه می‌توانند رفتار طغیانی را به طور مثبت و معنی‌دار پیش‌بینی نمایند. همان‌طور که در جدول ملاحظه می‌شود سبک فرزندپروری اقتداری قادر بر پیش‌بینی رفتار طغیانی نیست.

در مورد پیش‌بینی رفتار خشونت‌آمیز و مخرب از روی سبک فرزندپروری استبدادی، اقتداری و سهل‌گیرانه جدول ۲ نشان می‌دهد که ۱۹ درصد از واریانس رفتار خشونت‌آمیز و مخرب توسط سبک فرزندپروری استبدادی و ۱۱ درصد از واریانس رفتار خشونت‌آمیز و مخرب توسط سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه پیش‌بینی می‌شود. همچنین ضریب رگرسیون سبک فرزندپروری استبدادی و سهل‌گیرانه بر رفتار خشونت‌آمیز و مخرب معنی‌دار است و نشان می‌دهد که سبک فرزندپروری استبدادی و سهل‌گیرانه می‌توانند رفتار خشونت‌آمیز و مخرب را به طور مثبت و معنی‌دار پیش‌بینی نمایند. همان‌گونه که از جدول بر می‌آید سبک فرزندپروری اقتداری قادر به پیش‌بینی رفتار خشونت‌آمیز و مخرب نیست.

در مورد پیش‌بینی رفتار قالبی از روی سبک فرزندپروری استبدادی، اقتداری و

سهل گیرانه جدول ۲ نشان می‌دهد که ۲۰ درصد از واریانس رفتار قالبی توسط سبک فرزندپروری استبدادی و ۱۹ درصد از واریانس رفتار قالبی توسط سبک فرزندپروری سهل گیرانه پیش‌بینی می‌شود. همچنین ضریب رگرسیون سبک فرزندپروری استبدادی و سهل گیرانه بر رفتار قالبی معنی دار است و نشان می‌دهد که سبک فرزندپروری استبدادی و سهل گیرانه می‌توانند رفتار قالبی را به طور مثبت و معنی دار پیش‌بینی کنند. همان طور که از جدول بر می‌آید سبک فرزندپروری اقتداری قادر بر پیش‌بینی رفتار قالبی نیست.

در مورد پیش‌بینی رفتار انزوا و آشفتگی روانی از روی سبک فرزندپروری استبدادی، اقتداری و سهل گیرانه جدول ۲ نشان می‌دهد که ۱۲ درصد از واریانس رفتار انزوا و آشفتگی روانی توسط سبک فرزندپروری استبدادی و ۱۵ درصد از واریانس رفتار انزوا و آشفتگی روانی توسط سبک فرزندپروری سهل گیرانه پیش‌بینی می‌شود. همچنین ضریب رگرسیون سبک فرزندپروری استبدادی و سهل گیرانه بر رفتار انزوا و آشفتگی روانی معنی دار است و نشان می‌دهد که سبک فرزندپروری استبدادی و سهل گیرانه می‌توانند رفتار انزوا و آشفتگی روانی را به طور مثبت و معنی دار پیش‌بینی نمایند. همان طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود سبک فرزندپروری اقتداری قادر به پیش‌بینی رفتار انزوا و آشفتگی روانی نیست.

در مورد پیش‌بینی رفتار تندخویی از روی سبک فرزندپروری استبدادی، اقتداری و سهل گیرانه جدول (۲) نشان می‌دهد که ۱۰ درصد از واریانس رفتار تندخویی توسط سبک فرزندپروری استبدادی و ۱۴ درصد از واریانس رفتار تندخویی توسط سبک فرزندپروری سهل گیرانه پیش‌بینی می‌شود. همچنین ضریب رگرسیون سبک فرزندپروری استبدادی و سهل گیرانه بر رفتار تندخویی معنی دار است و نشان می‌دهد که سبک فرزندپروری استبدادی و سهل گیرانه می‌توانند رفتار تندخویی را به طور مثبت و معنی دار پیش‌بینی نمایند. همان گونه که در جدول (۲) ملاحظه می‌کنید سبک فرزندپروری اقتداری قادر به پیش‌بینی رفتار تندخویی نیست.

در مورد پیش‌بینی رفتار اجتماعی نامناسب از روی سبک فرزندپروری استبدادی، اقتداری و سهل گیرانه جدول (۲) نشان می‌دهد که ۱۶ درصد از واریانس رفتار اجتماعی نامناسب

توسط سبک فرزندپروری استبدادی و ۱۲ درصد از واریانس رفتار اجتماعی نامناسب توسط سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه پیش‌بینی می‌شود. همچنین ضریب رگرسیون سبک فرزندپروری استبدادی و سهل‌گیرانه بر رفتار اجتماعی نامناسب معنی‌دار است و نشان می‌دهد که سبک فرزندپروری استبدادی و سهل‌گیرانه می‌توانند رفتار اجتماعی نامناسب را به طور مثبت و معنی‌دار پیش‌بینی کنند. همان‌طور که در جدول مشاهده می‌کنید سبک فرزندپروری اقتداری قادر به پیش‌بینی رفتار اجتماعی نامناسب نیست.

بحث و نتیجه‌گیری

از آنجا که والدین در تعیین محیط اجتماعی و فیزیکی کودکان به طور مستقیم نقش ایفا می‌کنند و به واسطه فرآیند اجتماعی شدن و مدل‌سازی، رفتارها و نگرش‌های کودکانشان را به صورت غیرمستقیم هدایت می‌کنند (ریچ^۱ و همکاران، ۲۰۰۵، ص ۷۰) بر این اساس از نظر علمی به خانواده به عنوان مهم‌ترین عامل سازندگی یا ویرانی بنای رفتار، شکل و سازماندهی ذهنی، روانی، عاطفی و اخلاقی کودک و مهم‌ترین عامل تکوین شخصیت نگریسته شده است (درویزه و آزادی، ۱۳۸۹، ص ۴۸). چنان‌که تحقیقات متعددی سبک‌های فرزندپروری را با پیامدهای مهم رفتاری و عملکرد عاطفی - هیجانی در کودکان مرتبط دانسته‌اند (دریسکول^۲ و همکاران، ۲۰۰۸، ص ۱۸۵؛ ری^۳ و همکاران، ۲۰۰۶، ص ۲۰۴۳). بنابراین با در نظر گرفتن نقش حیاتی خانواده در شکل‌گیری شخصیت کودک، پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین سبک فرزندپروری مادران و رفتار سازشی کودکان کم‌توان ذهنی و نقش پیش‌بینی‌کنندگی سبک فرزندپروری مادران بر رفتار سازشی کودکان کم‌توان ذهنی انجام شد. نتایج حاصل از این بررسی نشان داد همبستگی مثبت و معنی‌داری بین سبک استبدادی و سهل‌گیرانه با رفتار ضد اجتماعی، رفتار طغیانی، رفتار خشونت‌آمیز و مخرب، رفتار قالبی، انزوا و آشفتگی روانی، تندخویی و رفتار نامناسب اجتماعی وجود دارد. این یافته از پژوهش حاضر با نتایج مطالعات مختلفی که به نقش سبک استبدادی در بروز

1. Ritche & et al
2. Driscool & et al
3. Rhee & et al

خشونت (لاو^۱ و همکاران، ۲۰۱۰، ص ۱۶۵۱)، رفتارهای پرخاشگرانه (سید موسوی، ۱۳۸۷، ۳۷)، اضطراب (گستل^۲ و همکاران؛ ۲۰۰۹، ص ۴)، رفتارهای ضد اجتماعی (کانگر^۳ و همکاران؛ ۱۹۹۲، ص ۵۲۶)، افسردگی، عدم کفایت اجتماعی، رفتارهای بزهکارانه، اختلال سلوک (ماتیجسن^۴ و همکاران، ۱۹۹۸، ص ۴۷۷)، مشکلات رفتاری برون سازی شده (رینالدی و هوآو، ۲۰۱۲، ص ۲۶۶؛ هیل^۵ و همکاران؛ ۲۰۰۲، ص ۱۳۳)، خودناتوان سازی بیشتر (هیرابایاشی^۶، ۲۰۰۵، ص ۵)، مشکلات در توجه و پیشرفت کمتر در تحصیل (رینالدی و هوآو، ۲۰۱۲، ص ۲۶۷؛ تالیب^۷ و همکاران، ۲۰۱۱، ص ۱۴) و سازه نابهنجار کمال گرایی کارکردی و غیر کارکردی (کراداک^۸ و همکاران، ۲۰۰۹، ص ۱۳۶) در این رابطه دست یافته اند، همسو است. در تبیین این یافته می توان اهمیت نقش مادران و شیوه های فرزند پروری آن ها را در شکل گیری "ادراک خود" یادآور شد. "خود" نتیجه یک مراقبت سازمان یافته است و اختلال در تعامل و تجربه های منفی والد - کودک در آشفته گی سیستم "خود" مؤثر می باشد. چنان که کوهوت^۹ معتقد است که ناتوانی مادران در ابراز همدلی و برآوردن نیازهای کودکان در سال های اول زندگی موجب می شود ساختار درون روانی نتواند به رشد و تحول مناسب دست یابد و ساختار "خود" در فرآیند انسجام یابی با مشکلات و نارسایی هایی روبه رو می شود (رضائیان و همکاران، ۱۳۸۵، ص ۳۲). این فرزندان به علت نداشتن یک ساختار نسبتاً ثابت درونی شده ارزش ها، اعتماد به ارگانسیم خود را از دست می دهند (اشبی^{۱۰} و همکاران، ۲۰۰۵، ص ۵۵). بنابراین تعامل، ضمن ایجاد شدن مشکلات هیجانی، پاسخ های سازش نیافته نیز در کودکان مشاهده می شود (پاترسون و کاپالدی^{۱۱}، ۱۹۹۰، ص ۲۰). در ارائه تبیینی دیگر می توان گفت این دسته از مادران معتقد به

1. Law
2. Gastel
3. Conger
4. Mathijssen
5. Hill
6. Hirabayashi
7. Talib
8. Craddock
9. Kohut
10. Ashby
11. Patterson & Capaldi

پذیرش بی‌چون و چرای تصمیمات و قوانینشان از جانب فرزندان اند (ماندارا^۱، ۲۰۰۳، ص ۱۲۹؛ کوپلن^۲ و همکاران، ۲۰۰۲، ص ۲) در چنین شرایطی فرزندان مادران مستبد، فرهنگ دیکته شدن و دیکته کردن را می‌آموزند نه فرهنگ گفت و گو و تفاهم را (ابراهیم زاده پارسایی، ۱۳۸۸، ص ۸۵). مادران سهل‌گیر از آنجا که هیچ‌گونه نظارتی بر روی کودکان خود ندارند، کمترین میزان اتکاء به خود، کنجکاو و خودپایی در میان فرزندان این مادران قابل مشاهده است، ضمن اینکه این کودکان در کنترل تکانه و تشخیص ارزش‌ها از ضد ارزش‌ها نیز مشکل دارند و مرتکب رفتارهای بزهکارانه و پرخاشگرانه می‌گردند (هاپاسالو و ترمبلی^۳، ۱۹۹۴، ص ۱۰۴۴؛ براون اشتاین^۴، ۲۰۰۲، ص ۵۰؛ کَریدو^۵ و همکاران، ۲۰۰۲، ص ۲۷۲). یافته دیگر پژوهش حاضر عدم وجود همبستگی بین سبک اقتداری با رفتار ضد اجتماعی، رفتار طغیانی، رفتار خشونت‌آمیز و مخرب، رفتار قالبی، انزوا و آشفتگی روانی، تندخویی و رفتار نامناسب اجتماعی است. در این سبک از فرزندپروری که با صمیمیت، حمایت هیجانی بالا و نظارت منطقی شناخته می‌شود مادران الگوی کارآمدتر و مؤثرتری برای فرزندانشان هستند، پاسخدهی بالایی دارند، خودمختاری فرزندشان را می‌پذیرند، افکار نقادانه را تشویق می‌کنند و روابط دوسویه بین مادران و فرزندان برقرار است. در چنین شرایطی مهارت‌های اجتماعی و شناختی بالاتر و پیامدهای تحولی مثبتی همچون اتکاء بیشتر به خود، خودمختاری، روابط بین فردی پیشرفته‌تر، رفتارهای سازش‌یافته بیشتر، سازماندهی و جهت‌گیری عقلانی، خودناتوان‌سازی کمتر و مشکلات هیجانی و رفتاری کمتر انتظار می‌رود (ایبار^۶ و همکاران، ۲۰۰۹، ص ۲۵۹؛ دوپری شیلدز^۷، ۲۰۰۷، ص ۷؛ برندا^۸، ۲۰۰۷، ص ۲۷۰؛ ویک^۹، ۲۰۰۷، ص ۱۵۲۰؛ گالامبوس^{۱۰} و همکاران، ۲۰۰۳، ص ۵۷۸؛ آنولا^{۱۱} و

1. Mandara
2. Coplan
3. Haapasalo & Tremblay
4. Bronstein
5. Querido
6. Abar
7. DuPree Sheilds
8. Brenda
9. Wake
10. Galambos
11. Aunola

همکاران، ۲۰۰۰، ص ۲۰۵؛ استبرگ^۱، ۱۹۹۴، ص ۷۵۴).

آماده ساختن فرد برای زندگی در خارج از محیط خانوادگی یکی از بزرگ‌ترین وظایف اجتماعی پدر و مادر است و کیفیت روابط خانوادگی، تأثیر عمیق و پایداری بر تحول روانی افراد بر جای می‌گذارد. خانواده‌ای که از توان و امکانات لازم برخوردار است تا وظایف پدر و مادری‌اش را به نحوی مطلوب و با موفقیت انجام دهد در هر یک از اعضایش احساس ایمنی، وابستگی و رفاقت ایجاد می‌کند. همچنین احساس داشتن هدف، جهت، پیشرفت و ارزش فردی را در آنان به وجود می‌آورد (زارعی، ۱۳۸۹، ص ۲۲۰). شایان ذکر است که آزمودنی‌های این پژوهش فقط مادران دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی بودند، لذا تعمیم نتایج آن در مورد پدران باید با احتیاط صورت گیرد. همچنین آزمودنی‌های این پژوهش را فقط مادران دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی تشکیل می‌دهد؛ بنابراین تعمیم نتایج به مادران دانش‌آموزان عادی و مادران دانش‌آموزان با سایر ناتوانی‌ها باید با احتیاط انجام شود.

پیشنهاد‌های حاصل از یافته‌ها

با توجه به نتایج به دست آمده در این تحقیق، در سطح پژوهشی به محققان پیشنهاد می‌شود که به بررسی رابطه سبک فرزندپروری پدران با رفتار سازشی دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی بپردازند و نتیجه را با یافته‌های این پژوهش مقایسه نمایند. پژوهشگران همچنین در آینده می‌توانند به بررسی رابطه مادران با رفتار سازشی سایر دانش‌آموزان با نیازهای ویژه بپردازند. همچنین در سطح کاربردی پیشنهاد می‌شود: والدین کودکان کم‌توان ذهنی در تربیت فرزند خود بیشتر از سبک فرزندپروری اقتدارگرایانه استفاده نمایند؛ شیوه‌های صحیح تربیت فرزند توسط دست‌اندرکاران تربیتی در قالب دوره‌های آموزشی منظم به والدین آموزش داده شود؛ مشکلات والدین و دیگر اعضای خانواده‌های دارای فرزند کم‌توان ذهنی به طور منظم بررسی و حمایت‌های لازم صورت گیرد؛ در جهت بهبود روابط بین تک تک اعضای خانواده دارای فرزند کم‌توان ذهنی، اقدامات لازم صورت گیرد.

1. Steinberg

منابع

- ابراهیم زاده پارسایی، ملیحه (۱۳۸۸). مقایسه سبک‌های فرزندپروری مادران مذهبی و غیر مذهبی. دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه شهید بهشتی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
- زارعی، اقبال (۱۳۸۹). بررسی رابطه بین شیوه‌های فرزند پروری والدین با ارتکاب نوجوان به رفتارهای پرخطر بر اساس مقیاس کلونینگر. *مجله علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، دوره ۱۸، شماره ۳، ۲۲۰-۲۲۴*.
- درویزه، زهرا؛ آزادی، شهدخت (۱۳۸۹). بررسی رابطه بین شیوه فرزندپروری مادران با کم‌رویی دختران دبیرستان‌های شهر نورآباد ممسنی. *فصلنامه زن و جامعه، سال اول، شماره ۲، صص ۴۷-۶۳*.
- رضائیان، حمید؛ محسنی، نیکچهره؛ محمدی، محمدرضا؛ غباری بناب، باقر؛ سرمد، زهره؛ غلامعلی لواسانی، مسعود؛ مؤمنی، فرزاد (۱۳۸۹). بررسی مدل علیتی متغیرهای خانواده، ادراک خود نوجوانان و اختلال سلوک. *مجله پژوهشی حکیم، دوره نهم، شماره ۳، صص ۳۲-۳۸*.
- سید موسوی، پریسا؛ نادعلی، حسین؛ قنبری، سعید؛ (۱۳۸۷). بررسی رابطه سبک‌های فرزندپروری و نشانگان برون‌سازی شده در کودکان ۷ تا ۹ سال. *فصلنامه خانواده‌پژوهی، ۱۳، صص ۳۷-۴۹*.
- شهنی بیلاق، منیجه (۱۳۷۴). میزان سازی مقیاس رفتار سازشی برای دانش‌آموزان مدارس ابتدایی. *مجله علوم تربیتی و روانشناسی، سال دوم، شماره ۱ و ۲، ۱۱۴-۱۳۱*.
- کریمی، علی اکبر (۱۳۸۹). بررسی رابطه بین کارکرد خانواده با سبک‌های هویت و جهت‌گیری مذهبی در دانش‌آموزان دختر و پسر سوم متوسطه شهرستان جلفا. *دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد*.
- کجباف، محمد باقر؛ رفیعی، رسول؛ عریضی، سید حمید رضا (۱۳۸۴). *هنجاریابی مقیاس رفتاری - سازشی لمبرت در دانش‌آموزان استثنایی ۱۳-۱۰ ساله پسر و دختر اصفهان. دانش و پژوهش در روانشناسی، شماره ۲۴، ۱۰۱ تا ۱۱۸*.
- محسنی، نیک‌چهره (۱۳۸۳). *نظریه‌ها در روان‌شناسی رشد. تهران: پردیس*.
- مداحی، محمد ابراهیم، لیاقت، ریتا، صمدزاده، منا و مرادی، ایرج (۱۳۹۰). بررسی تعامل رفتار سازشی و شیوه‌های فرزندپروری. *مجله روان‌شناسی سلامت، سال اول، شماره ۱، ۴۳-۶۲*.
- Abar, B., Carter, K. L., & Winsler, A. (2009). The effect of maternal parenting style and religious commitment on self-regulation, academic

- achievement, and risk behavior among African-American parochial college students. *Journal of Adolescence*, 32, 259-273.
- Alizadeh, H., & Andries, C. (2002). Interaction of parenting styles and attention deficit hyperactivity disorder in Iranian parents. *Child and Family Behavior Therapy*, 24, 37-52.
- American Association on Mental Retardation. (2010). *Mental retardation: Definition, classification, and systems of support (11th Ed.)*. Washington, DC: Author.
- Ashby, J. S., Rahotep, S. S., & Martin, J. L. (2005). Multidimensional perfectionism and Rogation personality constructs. *Journal of Humanistic Counseling: Education and Development*, 44, 55-65.
- Aunola, K., Stattin, H., & Nurmi, J. (2000). Parenting styles and adolescents' achievement strategies. *Journal of Adolescence*, 23, 205-222.
- Baumrind, D. (1991). Effective Parenting during the early adolescent transition In P. A. Cowan & E. M. Hetherington (Eds.), *Family transitions* (Vol. 2, PP. 111-163). Millsdale NJ: Erlbaum.
- Baumrind, D. (1967). Child care practices anteceding three patterns of preschool behavior. *Genetic Psychology Monographs*, 75(1), 43-88.
- Brenda L. (2007). Looking at childhood obesity through the lens of Baumrinds parenting typologies. *Orthop Nurs*; 26(5): 270-280. Available from: <http://www.ncbi.nlm.nih.gov/pubmed/16129082>
- Bronstein, M (2002). *Handbook on parenting: children and parenting (vol1)*. Mahwah NJ: Lawrence Erlbaum publishers.
- Christian, D.L. (2001). *The effects of parenting styles on the development of adaptive competencies and the reduction in problem behaviors among children with and without visual impairments and blindness. A Dissertation Submitted to Michigan State University for the degree of Doctorate of Philosophy.*
- Conger, R.D., Conger, K.J., & Elder, G.H. (1992) A family process model of economic hardship and adjustment of early adolescent boys. *Child Development*, 63(3), 526-541.
- Coplan, R. J., Hastings, P. D., Lagace-Seguin, D. G., & Moulton, C. E. (2002). Authoritative and authoritarian mother's parenting goals, attributions, and emotions across different childrearing contexts. *Parenting: Science and Practice*, 2, 1-26.
- Craddock, A., Church, W., & Sands, A. (2009). Family of origin characteristics as predictors of perfectionism. *Australian Journal of Psychology*, 61, 136-144.
- Diaz, Y. (2005). Association between parenting and child behavior problems among mothers and children. *A Dissertation Submitted to University of Maryland for the degree of Master of Art.*
- Driscoll, A. K., Russell, S. T., & Crockett, L. J. (2008). Parenting styles and youth well being across immigrant generations. *Journal of Family Issues*, 29, 185-209.

- DuPree Sheilds, C. (2007). The relationship between goal orientation, parenting style and self handicapping in adolescence. *A Dissertation Submitted to University of Alabama for the degree of Doctorate of Philosophy*.
- Dwairy, M., Menshar, K. E. (2006). Parenting style, individuation, and mental health of Egyptian adolescents. *Journal of Adolescence*, 29, 103-117.
- Galambos NL, Barker ET, Almeida DM. (2003). Parents do matter: Trajectories of change in externalizing and internalizing problems of early adolescence. *Child Development*, 74,578-594.
- Gastel, W. V., Legerstee, J. S., & Ferdinand, R. F. (2009). The role of perceived parenting in familial aggregation of anxiety disorders in children. *Journal of Anxiety Disorders*, 23, 4-53.
- Geroux, A. M.(2001). The relationship between children's adaptive social behavior and maternal use of social support and maternal parenting behavior among single mothers living in poverty and coping with a crisis: a test of the family distress model. *A Dissertation Submitted to Florida State University for the degree of Doctorate of Philosophy*.
- Grolnick, W. & Ryan, R. (1989) Parent styles associated with self-regulation and competence in school. *Journal of Educational Psychology*, 81,143-154.
- Haapasalo, J.,&Tremblay, R.E.(1994). Physically aggressive boys from ages 6 to 12: Family background, parenting behavior, and prediction of delinquency. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 62, 1044-1052.
- Hallahan, D. P., Kauffman, J. M., & Pullen, P. C. (2009). *Exceptional learners (11th Ed.)*. Boston: Allyn& Bacon.
- Hill,J.(2002).Biological, psychological and social processes in the conduct disorders. *Journal of Child Psychiatry*, 43, 1, 133-164.
- Hirabayashi, K. E. (2005). The role of parenting style on self handicapping and defensive pessimism in Asian American college students. *A Dissertation Submitted to University of southern California for the degree of Doctorate of Philosophy*.
- Law, D. M., Shapka, J. D., & Olson, B. F. (2010). To control or not to control? Parenting behaviors and adolescent online aggression. *Computers in Human Behavior*, 26, 1651-1656.
- Mandara, J. (2003). The Typological approach in child and family psychology: A review of theory, methods, and research. *Clinical Child and Family Psychology Review*, 6, 129-146.
- Mathijssen JJ, Koot HM, Verhulst FC, et al. (1998). The relationship between mutual family relations and child psychopathology. *Journal of Child Psychiatry*, 39, 4, 477-87.
- Patterson, G. R., & Capaldi, D. M. (1990). *A mediational model for boys' depressed mood*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Querido, JG. Warner, TD. & Eyberg, S.M (2002). Parenting styles and child

- behavior in African-American families of pre-school children. *Journal of clinical child psychology*, 31, 272-277.
- Rhee, K.E., Lumeng, J.C., Appugliese, D.P., Kaciroti, N., & Bradley, R.H. (2006). Parenting styles and overweight status in first grade. *Ped*; 17, 6, 2043-2054. Available at: <http://pediatrics.org>
- Rinaldia, C.M., & Howe, N. (2012). Mothers' and fathers' parenting styles and associations with toddlers' externalizing, internalizing, and adaptive behaviors. *Early Childhood Research Quarterly*, 27, 266-273.
- Ritche, L. D., Welk, G., Styne, D., & Crawford, P.B. (2005). Family Environment and Pediatric Overweight: What is apparent to Do? *Canadian Journal of Public Health*, 105, 5, 70-79.
- Robinson, C. C., Mandlco, B., Olsen, S. F., & Hart, C. H. (1995). Authoritative, authoritarian, and permissive parenting practices: Development of a new measure. *Psychological Reports*, 77, 819-830.
- Rubin, K.H., Stewart, S.L., Chen X. (1994). Parents of aggressive and withdrawn children. (In. Bornstein M, *Handbook of parenting*). Hillsdale, NJ: Lawrence Erlbaum Association.
- Steinberg, L., Lamborn, S.D., Darling, N., Mounts, N.S., Dornbusch, S.M. (1994). Over-time changes in adjustment and competence among adolescents from authoritative, authoritarian, indulgent, and neglectful families. *Child Development*, 6, 754-770.
- Talib, J, Mohamad, Z, Mamat, M (2011). Effects of Parenting Style on Children Development. *World Journal of Social Sciences*, 1, 2, 14 – 35.
- Wake, M., Nicholson, J.M., Hardy, P., Smith, K. (2007). Preschooler obesity and parenting style of mothers and fathers. *Australian national population study*, 120, 6, 1520-1527.
- Wang, L., Chen, X., Chen, H., Cui, L., Li, M. (2006). Affect and maternal parenting as predictors of adaptive and maladaptive behaviors in Chinese children. *International Journal of Behavioral Development*, 30, 158-166.
- Westwood, P. (2009). *What Teachers Need to Know about Students with Disabilities*. Camberwell: ACER press?
- Weiss, J. A., Sullivan, A., & Diamond, T. (2003). Parent stress and adaptive functioning of individuals with developmental disabilities. *Journal of Developmental Disabilities*, 10, 1, 130-135.